

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Reflection of Feminine Archetypes in Iranian Historical Architecture through the lens of Jung
The Code of Femininity in the Mandala Schemas of Iranian Historical Architecture
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بازتاب آرکی تایپ‌های مادینه در معماری تاریخی ایران براساس آرای یونگ رمز مادینگی در طرح‌واره‌های ماندالاوار معماری تاریخی ایران*

حسنیه هروی^۱، محمدمنصور فلامکی^{۲*}، سیدعطاالله طاهایی^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.
۲. استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۳. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۸ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۷ تاریخ انتشار: ۹۸/۱۱/۰۱

چکیده

بیان مسئله: باور به ذات مادینه هستی و تقدم آیین نیایشی ایزدانوان در غالب تمدن‌ها پذیرفته شده است. طبق آرای یونگ این باور در قالب آرکی تایپ‌های مادینه (آنیما و مادر)، که عامل مؤثر در خلاقیت هنری است، در ناخودآگاه جمعی بشر نهادینه شده و به صورت رمزهای مادینه در آثار هنری مختلف تبلور می‌یابد. معماری آمیخته با خلاقیت و مظهری برای ارزش‌ها و باورهای است که گاه در قالب رمزی بروز می‌یابند و بنابر آرای یونگ نمی‌توانند از تأثیر ناخودآگاه جمعی عاری باشند. واکاوی این تأثیر می‌تواند به شناخت جامع‌تر از میراث برجای‌مانده معماری و عوامل مؤثر در آن بینجامد. مسئله این پژوهش چگونگی تأثیرپذیری معماری تاریخی ایران از ناخودآگاه جمعی با تأکید بر رمزهای مادینه است. برای پیگیری این رمزها بررسی تمام مقیاس‌های معماری از طرح‌واره تا تزئینات ضروری است. این مقاله بر طرح‌واره‌ها متمرکز شده و از این رو تنها رمزهای هندسی را مد نظر خواهد داشت.

هدف پژوهش: در این پژوهش، نگارندگان در پی پاسخ این پرسش‌اند که تأثیر ناخودآگاه جمعی در معماری تاریخی ایران چگونه قابل تبیین است و آرکی تایپ‌های مادینه در این آثار چگونه بازتاب یافته‌اند. روش تحقیق: این مقاله پژوهشی بنیادی است و با برخورداری از ویژگی‌های کیفی با اتکا بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و از طریق تحلیل محتوا و استنتاج منطقی متکی بر قیاس به بررسی آثار معماری تاریخی ایران و خوانش آنها براساس نظریه یونگ می‌پردازد.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد که معماری تاریخی ایران آرکی تایپ‌های مادینه را در مقیاس‌های مختلف، از طرح‌واره تا تزئینات، بروز می‌دهد. الگوهای هندسی پایدار در طرح‌واره‌ها غالباً در تعریف و شکل ماندالا قابل جمع‌اند که بنابر اسناد حاوی رمز مادینگی است و استمرار و دوام آنها، فارغ از رمزهای زمان و مکان، متکی بر ارزش‌های پایدار ناخودآگاه جمعی است.

واژگان کلیدی: معماری تاریخی ایران، ماندالا، آرکی تایپ‌های مادینه، یونگ.

مقدمه

آرای یونگ، روانپزشک و اسطوره‌پژوه سوئیسی، در نقدهای روانکاوانه آثار هنری مسیری نو آفریده است. با اتکا بر اندیشه

یونگ امکان نقد و تفسیر روانکاوانه آثاری که بعد زمانی زیادی با ما دارند فراهم می‌شود. نقد روانکاوانه می‌تواند پرده از ارزش‌های نهادینه و باورهای بردارد که به دلایل مختلف اجتماعی و فرهنگی و ... مجال بروز مستقیم نیافته و در قالب رمز بیان شده‌اند.

بیان مسئله: براساس آرای یونگ انسان‌ها فارغ از رمزهای زمانی و مکانی رفتارهایی را بروز می‌دهند که برخاسته از ناخودآگاه جمعی آنهاست. «ناخودآگاه جمعی حاوی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری حسنیه هروی با عنوان نقش‌آفرینی ارزش‌ها در معماری است که به راهنمایی دکتر محمدمنصور فلامکی و مشاوره دکتر سیدعطاالله طاهایی در گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی انجام شده است.

** نویسنده مسئول: ۰۲۱۸۸۸۲۷۵۱۴، Mansour.falamaki1313@gmail.com

مهرآبادی (۱۳۹۳) با عنوان «واکاوی برخی اشکال کهن‌الگوی ماندالا در ناخودآگاه قومی طاهره صفارزاده» به حضور ناخودآگاه این آرکی‌تایپ در قالب شعر می‌پردازد و در محتوای خود به مادینگی ماندالا اشاره می‌کند. مقاله «بررسی دایره‌های تعالی در گلشن‌راز و مفاتیح‌العجاز» نوشته پناهی و بهمنی (۱۳۹۲) به ماندالا به‌عنوان رمز هستی با مرکزیت انسان کامل می‌نگرد. مقاله غلام‌پور آهنگر کلایی، طاووسی و اوجاق علیزاده (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل کهن‌الگوی خویشتن در منطق‌الطیر عطار» به حرکت ماندالوار در مسیر تفرد در ادبیات عطار می‌پردازد. مقاله «نقد کهن‌الگویی بانوگشسب‌نامه» نوشته بهرامی رهنما و طاووسی (۱۳۹۴) خوانشی روانکاوانه از آرکی‌تایپ‌های یونگی در این منظومه ارائه می‌دهد. مقاله یآوری (۱۳۷۰) با عنوان «آسمان بر زمین، بازتاب نمادین آرکی‌تایپ تمامیت و کمال ماندالا در ساختار بیرونی و درونی هفت پیکر» بر رمز ماندالا در روند تکاملی انسان اشاره دارد. این پژوهش‌ها و پژوهش‌های متعدد دیگر در این راستا با تأکید بر بازتاب آرکی‌تایپ‌ها، به‌ویژه مادینه، در آثار بزرگان ادب ایران با توجه به آمیختگی ادبیات و معماری به‌عنوان مظاهر فرهنگی، پیگیری مظاهر آرکی‌تایپ‌های مادینه را در معماری تسهیل می‌کنند.

پژوهش‌های کهن‌الگویی در حوزه معماری بر محور الگوهای تکرار‌شونده در آثار معماری تاریخی ایران متکی است که غالباً بر پایداری الگوی ماندالا و فرم‌های هم‌ارز آن، چهارتاق ساسانی، الگوی چهارصفه و مربع‌های نه‌قسمتی در معماری تأکید دارند. این مقالات معدودند و آثار فارغ از تأثیر خالق و براساس فرم تحلیل می‌کنند. مقاله «سیر تحول کهن‌الگوی ماندالا در معماری ایران با رویکرد به نظریه آرکی‌تایپی یونگ» نوشته شریف‌زاده و عزیزی‌پور (۱۳۹۵) ماندالا را به‌عنوان آرکی‌تایپی مؤثر و منتقل‌شده در طول تاریخ معماری معرفی کرده و حضور آن را در آثار معماری تاریخی مختلف بررسی می‌کند. جودکی عزیزی، موسوی حاجی و مهرآفرین (۱۳۹۳) در مقاله «گونه‌شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن» به تعریف ماندالای نه‌خانه در طرح چهارصفه می‌پردازد. همچنین مقاله «مواجهه با ماندالا: معماری متکی بر جنبه‌های ذهنی و سیاسی وابستگی» نوشته گری (Gray, 2001) به مفهوم اعتقادی ماندالا در فرهنگ‌های مختلف و آثار معماری آنها به‌ویژه شرقی اشاره دارد و مقاله «معرفی اصول معماری سنتی ایران در ارتباط با ماندالای واستوشاسترا: خرد سنت‌گرای هندی» نوشته گودرزی و فاضلی (Goodarzi & Fazeli, 2014) توضیحات مبسوطی در مورد ماندالای وستاشاسترا، برگرفته از تفکر هندو، را در معماری ایران ارائه می‌دهد. از معرفی موارد دیگر به دلیل محدودیت فرمت مقاله خودداری می‌شود. پژوهش حاضر با خوانشی روانکاوانه

آرکی‌تایپ‌هایی است که به‌صورت فردی کسب نمی‌شوند و وجودشان منحصرأ به وراثت بستگی دارد» (یونگ، ۱۳۹۵، ۵۶). این آرکی‌تایپ‌ها از باورها و ارزش‌های انسان از بدو پیدایش شکل گرفته و هر زمان مجال بروز یابند جلوه‌گر می‌شوند. بر این اساس «در دنیا هیچ چیز نویی پدید نمی‌آید و در حقیقت این صورت‌های مثالی هستند که تکرار می‌شوند» (سلمانی‌نژاد و مهربانی، ۱۳۹۳). از منظر یونگ، معماری عرصه مناسبی برای تجلی نمادین آرکی‌تایپ‌هاست. جایی که کلمات و کاغذها کافی نیست و باورها در مصالح تجلی می‌یابد (Barrie, 2010, 65). مسئله این پژوهش، چگونگی تأثیرپذیری معماری تاریخی ایران از ناخودآگاه جمعی با تأکید بر رمزهای مادینه است. عرصه معماری تاریخی ایران ظاهراً حیطه‌ای مردانه است و تمرکز بر آرکی‌تایپ‌های مادینه با توجه به غلبه وجه نمادین آنها در روان مردان معنادار است.

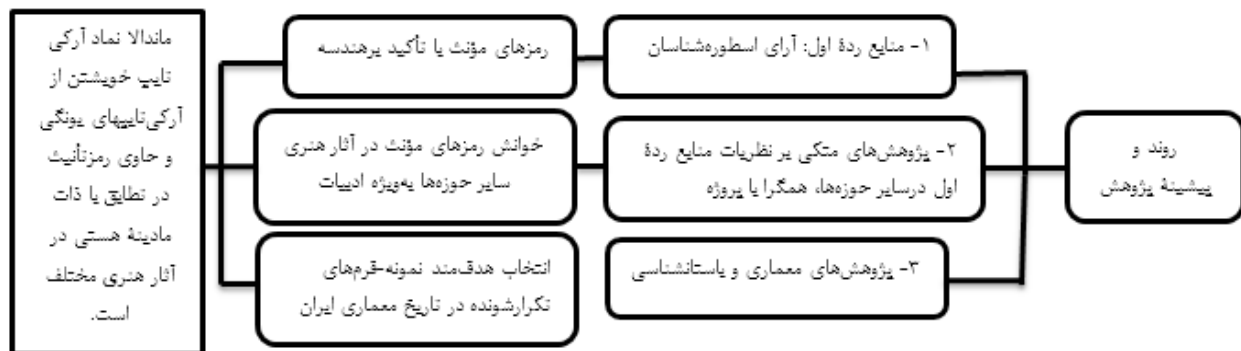
پرسش‌ها: تأثیر ناخودآگاه جمعی در معماری تاریخی ایران چگونه قابل تبیین است؟ آرکی‌تایپ‌های مادینه در این آثار چگونه بازتاب یافته‌اند؟

ضرورت: آثار معماری تاریخی ایران، غالباً از منظر گونه‌شناسی، دوره‌های تاریخی، روش‌های اجرایی و فنی و ... مورد نقد واقع شده‌اند. در این میان نقد روانکاوانه، به‌دلایل مختلف و از جمله عدم امکان مواجهه با خالق اثر، مغفول مانده است. روانکاوی یونگی امکان شناخت باورها و ارزش‌های نهادینه جمعی فرهنگی را از طریق آثار هنری و ادبی، مستقل از حضور خالق، فراهم می‌کند. این مقاله با چنین رویکردی آثار معمار تاریخی ایران را جهت نیل به برخی ارزش‌های پنهان مورد خوانش قرار می‌دهد. نمونه‌ها، هدفمند انتخاب شده و محدود به زمان و جغرافیا نیستند.

روش و پیشینه تحقیق

رویکرد روانکاوانه و محتوای میان‌دانشی پژوهش، پیشینه نظری وسیعی را برای تأمین ابزار و ادله مناسب تحلیل و خوانش می‌طلبد. منابع رده اول در حوزه اسطوره‌ها و نمادها، شامل تألیفات یونگ (۱۳۹۵)، الیاده (۱۳۷۶)، کمیل (۱۳۷۷)، شایگان (۱۳۵۵)، کزازی و ستاری (۱۳۷۳؛ ۱۳۹۱) است که با معرفی رمزهای مادینه، با محور هندسه، به دلیل تأثیر پایدار هندسه در طرح‌واره‌ها، بنیان‌های نظری پژوهش را فراهم می‌آورند. در مرتبه دوم، پژوهش‌های وابسته به منابع مرحله اول هستند که در حوزه هنر و ادبیات به خوانش روانکاوانه رمزهای هندسی مونث، در قالب آرکی‌تایپ‌های یونگی در آثار بزرگان ادب ایران می‌پردازند، مسیر خوانش‌های مشابه در معماری را هموار می‌کنند و به محتوای تحلیلی پژوهش حاضر اعتبار می‌بخشند (تصویر ۱).

از این مجموعه به چند مورد اشاره می‌شود: مقاله سلمانی‌نژاد



تصویر ۱. پیشینه و روند تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

و تأکید بر آرکی‌تایپ‌های مادینه در طرح‌واره‌های معماری تاریخی ایران نمونه‌ مشابهی ندارد.

مبانی نظری

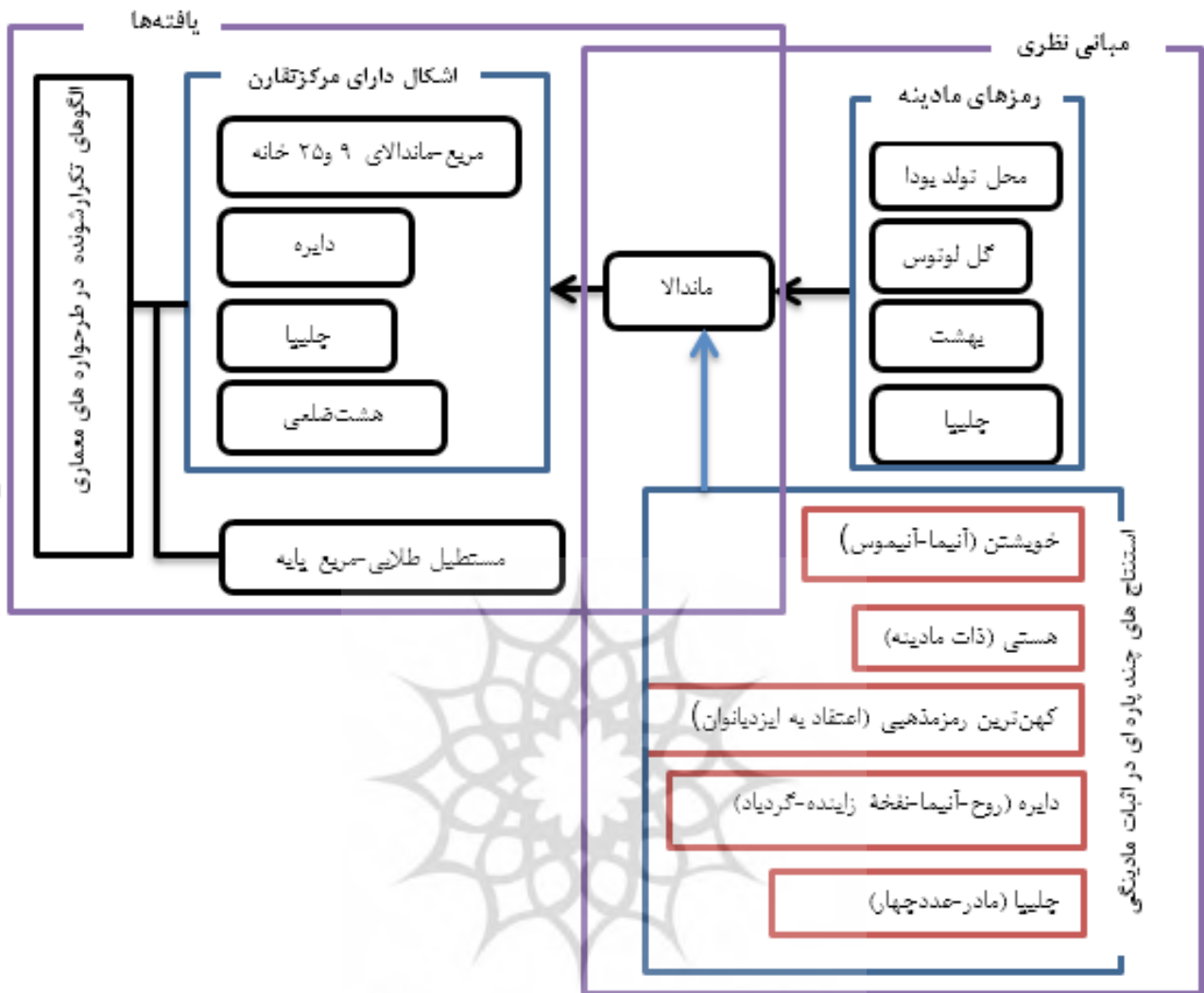
دستیابی به معیارهای مناسب استنتاج و تحلیل محتوای رمزهای مادینه و انطباق آنها با یافته‌های پژوهش نیازمند ارائه مسیر روشن از بن‌های نظری فرامعماری و خوانش و تعبیر آنها در حوزه معماری است. مدل مفهومی پژوهش روند تعاملی و دوسویه تحلیل محتوا و استدلال استنتاجی در این پروژه را تعریف می‌کند. در مدل این پژوهش، دلیل و شیوه انتخاب مبانی نظری، روش تحلیل و نتایج خلاصه شده است. براساس این مدل، ماندالا، در قالب مجموعه‌ای از اشکال دارای تقارن مرکزی، عنصری پایدار در طرح‌واره‌های معماری ایران است. پایداری ماندالا گواه بر اهمیت ریشه‌ای و نمادین آن است؛ به‌ویژه اینکه مطالعات فرارشته‌ای حضور آن را در ادبیات، موسیقی، نقاشی و ... اثبات می‌کند که حاکی از ماهیت ناخودآگاه و کهن‌الگویی آن است. مهم بعدی در این مقاله بررسی پیوند مادینگی و ماندالاست که از طریق آن به طرح‌واره‌های معماری بسط می‌یابد. منابع مختلف گاه صریح و بی‌واسطه بر حضور تأیث در رمز ماندالا دلالت دارند. جاهایی که منابع به حضور مادینگی در این رمز به‌اشاره سخن گفته‌اند، این پروژه از طریق تعمیم هم‌ارزی و قیاس گزاره‌های چندپاره‌ای تأیث را استنتاج می‌کند (تصویر ۲).

کهن‌الگوهای مادینه یونگی، ارزش‌های باستانی

طبق آرای یونگ، ناخودآگاه جمعی بشر شامل آرکی‌تایپ‌هایی است که با اساطیر آمیخته و حاوی بنیان‌های شناختی انسان باستانی از خود و جهان است. یونگ بر اهمیت آرکی‌تایپ‌های مادینه‌روان (آنیما و مادر) و وجه مؤثر و نمادین آنها به‌ویژه در جنس مذکر تأکید دارد (یونگ، ۱۳۹۵، ۱۲۷). او خود را در کهنسالی و در مرحله تفرد (بلوغ روانی) پنهان در سایه مادرانگی و روح می‌داند (Giesking Mangold, Low, Sager, 2014).

(170-171)؛ دوجویی‌ای که به‌وضوح مادینه است، زیرا روح در تعبیر یونگی معادل آنیماست و آنیما روان زنانه مرد و برآیند شناخت از زن و مادینگی در طول تاریخ بشری در ناخودآگاه جمعی است. «کهن‌الگویی که همه باورهای ناخودآگاه ذهن انسان اولیه، تاریخ، مذهب و زبان را در خود جمع می‌کند. حس بصیرت و آگاهی از آنیما نشئت می‌گیرد» (یونگ، ۱۳۹۵، ۳۸). «مواجهه با آنیما به معنای مرحله استادی است» (همان: ۴۰). درواقع یونگ بلوغ روانی فرد را وابسته به شناخت کامل و مواجهه با آرکی‌تایپ‌های مادینه می‌داند.

اهمیت آرکی‌تایپ‌های مادینه برای یونگ، متأثر از ارزش‌ها و ادیان باستانی است. «شواهد فراوان حاکی از آن است که پرستش مادر خدایان کهن‌ترین سنت مذهبی میان اقوام گوناگون است» (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲). در اساطیر مختلف به نقش اولیه و اساسی یک الهه مادر در خلق حیات اشاره می‌شود. «غالباً الهه‌ای در مقام آفریننده وجود دارد و کائنات پیکر اوست» (کمبل، ۱۳۷۷، ۲۵۴). در بین‌النهرین، اعتقاد بر این بوده که جهان حامله، و منبع حیات مؤثّر بوده است (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲). در اساطیر ایران، آب و خاک منشأ زایش هستند و هر دو با ایزدبانوان مرتبط می‌شوند. «سپندارمذ امشاسیند موکل بر زمین و مادر همه زایشمندان است» و ایزدبانو آناهیتا الهه آب و «آب عنصر منشأهاست، زیرا همه چیز از آب آفریده شده و آب مادر مادرهاست» (ستاری، حقیقی و محمودی، ۱۳۹۵). این ارزش‌ها ذاتی پایدار در طول تاریخ داشته و با اصالت در مفهوم، ظاهری متفاوت یافته‌اند. چنان‌که «این‌عربی» نیز اشارات مشابهی به ذات مادینه هستی دارد. او نفس رحمانی پروردگار و نفس کلی را دارای وجه زنانگی می‌داند و معتقد است اولین مادر حقیقی هستی ذات رحمانی حق است (وفایی و ابراهیمی، ۱۳۹۵). تداوم تاریخی این معانی و انتقال آن از مبدایی اساطیری گواه بر ریشه‌داربودن آن در ناخودآگاه جمعی انسان‌ها و شاهدی بر نظر یونگ است. این پژوهش قصد یافتن شاهد برای اثبات آرای یونگ ندارد، ولی بر این مفهوم متکی است که چنین بنیان اندیشه‌ای (باور به



تصویر ۲. چارچوب و مدل مفهومی پژوهش مبین مسیر تحقیق، مبانی نظری و نحوه تحلیل و انطباق با یافته‌ها. مأخذ: نگارندگان.

فطری نمادها، که برخاسته از ناخودآگاه جمعی بشر و فراسوی مرزهای مکان و زمان است، ردگیری آنها را در آثار هنری ایران توجیه می‌کند. «انسان باستانی بین خود و خدایانی که غالباً پدیده‌های طبیعی بودند ارتباط برقرار کرده و رفتار خود را به آنها نسبت می‌داد. از این رو نیمی از پدیده‌ها را زن و نیمی را مرد تصور می‌نمود» (بهار، ۱۳۸۸، ۳۲). بر این اساس نمادها نیز قالب‌های جنسی می‌یابند. نمادهای مؤنث متکی بر بارزه کنشی (انفعال، گیرندگی، باروری) یا صفات مادری (حمایت، پرورش و تغذیه) و ویژگی‌های ظاهری (ظرافت، شفافیت، پاک) یا ارتباط نزدیک و همسویی با آنچه مادینه است تعریف می‌شوند. کنش و وظایف (خویش‌کاری) و صفات غالباً واضح و مانوس‌اند. بنابر مستندات، ماندالا هم کنش زایش و هم پرورش را داراست و منابع پژوهشی مختلف آشکارا از آنها یاد کرده‌اند. به‌عنوان مثال مادینگی زمین در فرهنگ اساطیری پذیرفته

ذات مادینه هستی) در رسانه نمادساز و پرمعنای معماری قابل ردیابی است.

نمادهای مادینه

معماری عرصه مناسبی برای بازتاب نمادین آرکی‌تایپ‌ها است. ناخودآگاه، اغلب خانه‌ها، ساختمان‌ها و اتاق‌های سرّی را به‌عنوان نماد انتخاب می‌کند (Barrie, 2010, 65). «انسان با گرایش طبیعی به آفرینش نماد، به گونه ناخودآگاه اشیا و اشکال را تغییر می‌دهد تا حالتی مذهبی و هنری بگیرند. نمادها می‌توانند پدیده‌های طبیعی، دست‌سازهای انسان و حتی اعداد و اشکال تجریدی باشند» (یونگ، ۱۳۹۵، ۳۵۲). یونگ نمادهای متعدد و متنوعی را برای آرکی‌تایپ‌های مادینه معرفی می‌کند که غالباً با نمادهای اساطیر مادینه ایران قابل تطبیق‌اند. این انطباق، علاوه بر تأکید بر ماهیت بشری و

می‌خورد. اولین بنا از مجموعه بناهای بولینگن خانه‌ای است که یونگ بر مدوربودن آن تأکید دارد. بیشتر فضاها در این خانه درونگرا محرم و بسته‌اند.

خانه‌ای با مقیاسی کوچک و کودکانه با طرحی دوار و ساده و با شومینه‌ای در میان آن که از آن با عنوان «آتشدانی مادرانه» یاد می‌کند. نوری که از آتش برمی‌خیزد دایره‌ای کوچک را روشن می‌کند، به‌نظر می‌رسد که نقاط دیگر فضا در دایره‌ای از تاریکی فرورفته است (Ibid, 2010, 65-67). یونگ در شرح این فضا، که اصطلاحاً آن را برج مادری نام نهاده است، ماندالا را در قالبی انتزاعی بازسازی می‌کند. خارجی‌ترین دایره، محیط شکل‌گرفته از دیوارهای برج مادری است و سپس به سمت داخل با دایره‌هایی تاریک که خارج از حوزه نور آتشدان است مواجهیم که مرزهایی مبهم و وابسته به فاصله از کانون آتش دارند پس از آن با دایره‌ای روشن و در مرکز با آتشدانی مادرانه کامل می‌شود. به‌نظر می‌رسد که برای یونگ این نقطه مرکزی با اهمیت که مقصد تمام مسیرهای اوست مفهومی مادرانه و مادینه دارد (تصویر ۳).

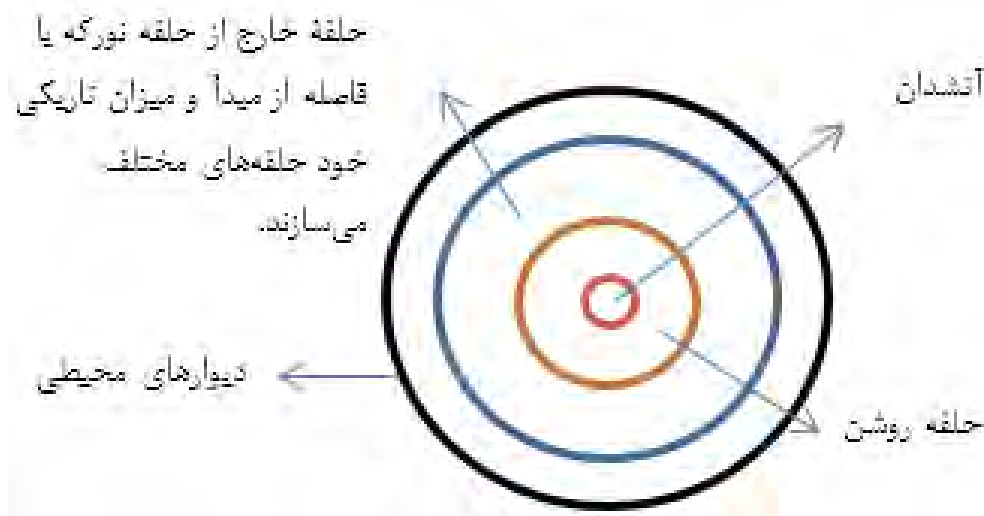
یونگ، به‌طور مستقیم از ماندالا به‌عنوان رمزی مادینه صحبت نمی‌کند، ولی به‌روش استنتاج منطقی و قیاس محتوا می‌توان به ارتباط ماندالا و مادینگی در این رمز پرداخت. به این منظور دو شیوه مد نظر قرار می‌گیرد:

۱. ارتباط ماندالا با مفاهیم حامل مادینگی از طریق استدلال و استنتاج قیاس و هم‌ارزی محتوا؛
 ۲. ارتباط ماندالا با واژه‌ها و رمزهای آشکار مادینه.
- در شیوه اول، گزاره‌های دویاره‌ای اخذشده از منابع به‌عنوان مقدمه مفروض استفاده شده و با قیاس محتوا گزاره سوم استنتاج می‌شود. بنابر آنچه بیان شد:
- الف) ماندالا کهن‌ترین رمز مذهبی و اعتقادی است؛ ب) پرستش ایزدبانوان کهن‌ترین سنت مذهبی است؛ پس ماندالا با ایزدبانوان (تأیید) مرتبط است.
- الف) ماندالا تصویر هستی است؛ ب) ذات هستی مادینه است؛ پس ماندالا با مادینگی مرتبط است.
- «در تعبیر یونگی ماندالا نماد آرکی‌تایپ خویشتن است و خویشتن نمونه‌ای از توانایی‌های پارادوکسی است، زیرا خویشتن خواهان پیوند تقابل‌هاست (غلامپور آهنگر کلایی، طاووسی و اوجاق علیزاده، ۱۳۹۵). تقابل جنسی محسوس‌ترین تقابل در وجود انسان است. تصویر ۴ دایره روان را نشان می‌دهد که شامل خودآگاهی و ناخودآگاهی است و خویشتن که در ماندالا بازتاب می‌شود در مرکز دایره ناخودآگاه قرار دارد و ناخودآگاه هر دو عنصر مادینه و نرینه را داراست.
- چنان‌که پیش‌تر بیان شد در روانکاوی یونگی اهمیت عنصر مادینه‌روان مؤکد است. به این ترتیب به روش یادشده:
- الف) ماندالا نماد ترسیمی از خویشتن است؛ ب) خویشتن در

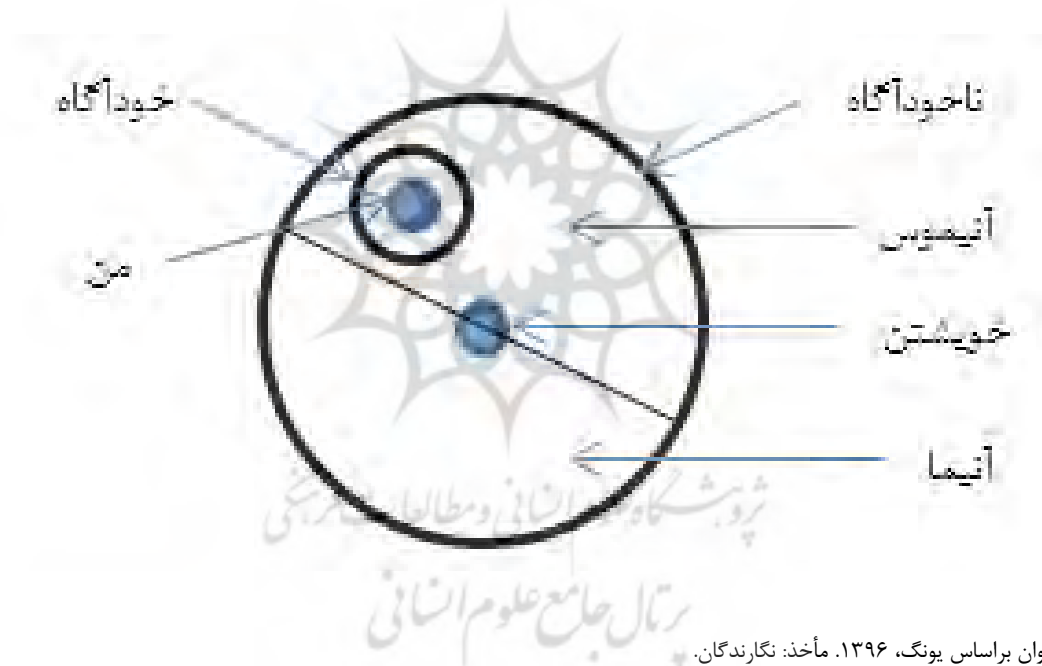
شده‌است، حال آنکه اِتصاف به مادینگی (یا نرینگی) از طریق ارتباط نیازمند به استدلال استنتاجی از مسیر قیاس، هم‌ارزی و تعمیم است. به‌عنوان نمونه «چهار گوشه نماد ماده‌های زمینی است» (یونگ، ۱۳۹۶، ۳۷۹). «زمین و عدد چهار هر دو مؤنث هستند» (الیاده، ۱۳۷۶، ۲۴۹). از طریق قیاس و هم‌ارزی می‌توان استنتاج کرد که چهار گوشه با تأیید رابطه دارد. از آنجا که این مقاله بر طرح‌واره‌های معماری متمرکز است با توجه به ماهیت کاربردی و هندسی طرح‌واره‌ها رمزهای هندسی و اعداد مدنظر قرار می‌گیرند که مادینگی آنها یا به‌صورت مستقیم قابل اخذ از منابع است و یا طبق رابطه مطرح شده با استناد به گزاره‌های برآمده از همان منابع استنتاج می‌شود. بنابر آنچه خواهد آمد؛ اشکال هندسی دارای مرکز تقارن (مربع، دایره، هشت‌ضلعی) که در هیئت ماندالا قابل جمع‌بندی بودند، چلیپا، عدد چهار و مضارب آن حاوی رمز تأیید هستند.

ماندالا

«ماندالا واژه‌ای سانسکریت به معنی حلقه سحرآمیز است و حیطة تمثیلی آن شامل همه شکل‌های منظم متحدالمرکز، صور شعاع‌دار یا کروی است که دارای نقطه‌ای مرکزی می‌باشند» (فدایی، ۱۳۸۱، ۵۳-۵۴). «ماندالا کهن‌ترین رمز اعتقادی و مذهبی است. به‌عبارتی تصویری از جهان است که گیتی و خدایان را در اندازه‌های کوچک‌تر نشان می‌دهد. رسم ماندالا بازآفرینی جهان است» (سلمانی‌نژاد مهرآبادی، ۱۳۹۳). ماندالاها ترکیبات چهارگانه‌ای شامل دروازه‌ها و مسیرهای خیالی هستند. تصاویر دوبعدی مسیرهای روحانی که قابلیت تبدیل به فرم‌های فضایی و سه‌بعدی دارند. یونگ ترسیم و رنگ‌آمیزی ماندالا را روشی درمانی و روانکاوانه می‌دانست. او احساس می‌کرد ماندالاها به او کمک می‌کنند که از تاریکی درونی خود خارج شود. ماندالا برای یونگ رمزی از حالات خویشتن بود. «تمام هستی من در کار دیده می‌شد؛ نمادی از تمامیت شخصیت». او از مسیر خلق ماندالا متوجه شد که تمام مسیرهایی که دنبال می‌کرد و تمام قدم‌هایی که برداشته بود به یک نقطه برمی‌گشت؛ نقطه مرکزی که مقصد همه مسیرها به‌سوی تفرّد است (Barrie, 2010, 70). «مرکز ماندالا محل نزول محور عالم است و هر که به مرکز وجود، یعنی ماندالا، راه می‌یابد به مرکز هستی، که نقطه اتصال است برای مبدأ انسان و مبدأ عالم می‌پیوندد» (شایگان، ۱۳۵۵، ۱۹۳). یونگ از سابقه کاربرد ماندالا در معماری تمدن‌های باستانی، با تأکید بر نمونه‌های مذهبی، سخن می‌گوید و در معماری خانه خود در بولینگن ماندالا را هم به‌صورت تصویر دوبعدی نقاشی‌شده و هم در قالبی انتزاعی در شکل‌دهی به فضا بازنمایی می‌کند. تأکید بر چهارگانگی آمیخته با تعریف ماندالا در مراحل ساخت و در ترکیب چهاربخشی واحدهای مختلف این مجموعه به‌چشم



تصویر ۳. تصویر انتزاعی از فضای برج مادرانه بولینگن براساس تعاریف باری (Barrie, 2010). مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. دایره روان براساس یونگ، ۱۳۹۶. مأخذ: نگارندگان.

در برابر انسان گشوده می‌شود که روان زنانه یا بخش زنانه وجود تجلی جانانه داشته باشد» (لاهیجی و کار، ۱۳۸۷، ۹۵). در شیوه دوم به ذکر ارتباط رمزهای مادینه با ماندالا پرداخته می‌شود:

در توصیفی نمادین «ماندالاها مکان‌های تولد و به معنای لفظی، مجراهای تولد هستند، همان گل نیلوفر آبی که بودا در آن به دنیا آمد» (یونگ، ۱۳۹۵، ۱۵۶). مجرای تولد آشکارا حاوی بار مادینه است. این کیفیت در تعبیر بورکهارت بارزتر است. «ماندالاهای بودایی برحسب شاکله قدیم لوتوس شکفته‌اند و لوتوس رمز جهان به صورت انفعالی آن، همچون زهدان تجلی

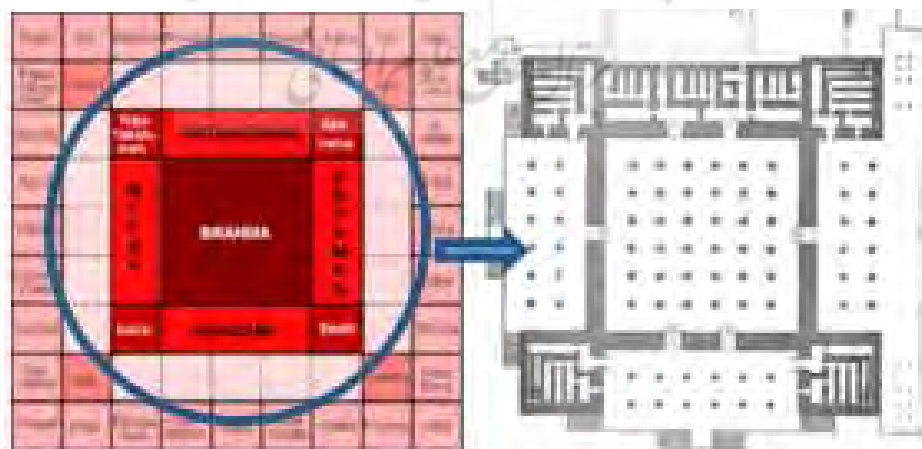
مرکز دایره ناخودآگاه و شامل بر آئیم (مادینه‌روان) و آئیموس (نرینه‌روان) است؛ پس ماندالا حاوی مادینگی آئیماست. نکته قابل تأمل دیگر اینکه ماندالا حیطة‌ای معنوی و جادویی را تعریف می‌کند. سحر و جادو با کاربرد ماندالا و با ویژگی‌های مادینه آمیخته است. در داستان‌های عامیانه غالباً جادوگران را در قالب پیرزنان تصویر می‌کنند و در بسیاری از قبایل بدوی مردان برای انجام امور مرتبط با سحر و جادو، و حتی کیمیاگری، صورتک بر چهره گذارده و لباس‌های زنانه می‌پوشیدند و گاه اندام زنانه برای خود می‌ساختند. «سرزمین ارواح و فضای لایتناهی و اسرارآمیز، که فقط در ناخودآگاه می‌گنجد، هنگامی

است، بلکه تبدیل شهر به نمایه‌ای از جهان منظم می‌باشد. مکانی مقدس که به‌وسیله مرکز خود به جهان دیگر مربوط می‌شده است. این طرح با احساسات حیاتی و نیازهای بشری مطابقت دارد» (یونگ، ۱۳۹۵، ۳۷۱). مطالعات انجام‌شده بر طرح‌واره آثار معماری ایران مشخص می‌کند که اکثر این آثار در قالب شکل‌های هندسی ساده و منظم و قائم به مرکز شامل دایره، چندضلعی‌های منتظم، مربع (و مستطیل‌هایی با تناسب‌های طلایی که در خود غالباً مربعی پایه را مستتر دارند) و نیز فرم‌های چلیپایی، که بیشتر به‌صورت فضای تهی در یک شکل دیگر محاط شده‌اند، نظم یافته‌اند. این اشکال در ترکیبی ماندالوار توسعه یافته‌اند که با نزدیک شدن به دوره‌های اولیه تاریخ معماری وضوح بیشتر می‌یابند و دارای ماهیت کهن‌الگویی هستند. در این زمینه می‌توان به پلان معبد باستانی مادی در تپه نوشیجان، زیگورات‌ها و از جمله چغازنبیل، طرح‌واره‌های هخامنشی چون کاخ آپادانا (تصویر ۵) و شهرهایی با طرح‌واره‌های دوار چون گور و دارابگرد و نمونه‌های بسیار دیگر در سراسر تاریخ معماری اشاره کرد که از فرم‌های ماندالوار دایره، مربع و چلیپایی تبعیت می‌کنند. به‌علت کثرت و تعدد نمونه‌های قابل یافت فقط به شهر گور پرداخته می‌شود که ماندالایی با تأکید بر مرکزی آیینی است (تصویر ۶)؛ شهری دایره‌شکل، که دو محور عمود بر هم در مرکز آن را به چهار بخش تقسیم می‌کند. در مرکز شهر بناهای اصلی با رویکرد حکومتی و آیینی مستقر شده‌اند که «یکی برج بلندی است دارای شاخه‌ای مربع که «طربال» نام دارد و آب از بالای آن به‌صورت فواره جاری بوده و دیگری بنایی است

الهی است» (بورکهارت، ۱۳۶۹، ۶۱-۶۳). نیلوفر یا لوتوس گلی است که ساقه در آب دارد و در اساطیر هند و ایران با ایزدبانوان مرتبط و کانون تولد بودا در هند و میترا در ایران است و زهدان اندامی ویژه جنس مؤنث است. از سوی دیگر ماندالا و بهشت در ارتباط با هم تعریف می‌شوند. بهشت رمز کهن‌الگوی مادر از کهن‌الگوهای یونگی و حاوی وجه مادینه است. «از دوران قبل از تاریخ، در هنر سفالگری فلات ایران، تصویری به قدمت خود دنیا ظاهر شده است، تصویری که فضا را به چهار قسمت می‌کند و مرکز آن نقطه محور یک صلیب است» (شایگان، ۱۳۵۵، ۷۷). به‌نظر می‌رسد این تعریف با تعریف یونگ از ماندالا، ترکیب چهارگانه با تأکید بر نقطه مرکزی، مطابقت دارد. «چلیپا به‌گونه‌ای غیرمستقیم ماندالا را در خود دارد» (یونگ، ۱۳۹۵، ۳۷۱). «عدد چهار به عنصر مادینه مربوط می‌شود» (همان، ۲۸۱) و «صلیب نماد زمین و نماد مادر است» (کمبل، ۱۳۷۷، ۲۵۲). «چلیپا تداعی‌کننده عدد چهار است و چهار عدد زن است. تربیع زهدان پرورش‌دهنده مادرخداست، ماندالا نیز انسان برتر را در خود می‌پروراند» (پناهی و بهمنی، ۱۳۹۲). طهوری نیز رمز گل نیلوفر و چلیپا را با هم مرتبط می‌داند، زیرا هردو نمادی از چهار عنصر، یعنی طبیعت و ادوار آن هستند (طهوری، ۱۳۹۱، ۵۷).

یافته‌ها (ماندالا در طرح‌واره‌ها)

«هر بنایی بر مبنای طرح ماندالا ساخته شده فراقنی تصویری کهن‌الگویی است از ناخودآگاه به جهان خارج. طرح ماندالایی در معماری هرگز تابع ملاحظات اقتصادی و زیباشناسی نبوده



تصویر ۵. چپ: ماندالا و استواسترا. مأخذ: Goodarzi & Fazeli, 2014: راست: کاخ آپادانا. مأخذ: هژبری نوبری و همکاران، ۱۳۹۴.



تصویر ۶. شهر فیروزآباد (گور) و دیاگرام آن. مأخذ: شریفزاده و عزیزپور، ۱۳۹۵. دیاگرام ترسیم‌شده بر اهمیت مرکز در این شهر ماندالوار تأکید دارد؛ نقطه‌ای که محل نزول محور عالم، پیونددهنده مبدأ انسان و مبدأ عالم بوده در این شهر حاوی نمادهای مادینه آب و چلیپاست.

ناهید و مادینگی است قابل قیاس با برج مادری در مجموعه بولینگن (ماندالایی با دوایری از هاله‌های نور از تاریکی تا روشنایی و آتشدان مادرانه در مرکز) است. ایزد نگهبان آتش در اساطیر یونانی مؤنث است. بایدگفت اهمیت وجه تأنیث برای یونگ و شیوه بروز آن در ساختار معماری خانه‌اش با ساختار این شهر و باور سازندگان آن قابل انطباق است. این همانندی در موارد متنوع قابل ردیابی است و حکایت از باوری بنیادی دارد که ماهیتی انسانی و ارزشی جمعی داشته و مرزهای زمان و جغرافیا را درمی‌نوردد. گواه آن حفظ این ارزش با تغییراتی ظاهری ولی بنیانی ثابت در انواع هنرها و در طول تاریخ است. در هنرهای مختلف ایران، ماندالا و تعریف مرکز آن با نماد آرکی‌تایپ‌های مادینه چون آب، باغ، باغچه، فضای تهی، شمشه‌های غالباً هشت‌پر و ترنج به چشم می‌خورد. نتایج حاصل از پژوهش‌های ادبی که آثار بزرگان ادب را با تمرکز بر ماندالا کاویده‌اند نشان می‌دهد که این آثار غالباً حاکی از حرکتی رو به رشد و مرتبه‌بندی شده به سمت مقصدی هستند که مبدأ حرکت نیز بوده و کمال را در دایره مرکزی تحقق می‌بخشد و حاوی مفاهیم زایش و تولد مجدد و نمادی از ماینگی است. این استمرار و تعیین نشان از ارزشی ریشه‌ای و محتوایی کهن‌الگویی دارد.

برای وضوح‌بخشیدن بیشتر به بحث به قیاس طرح‌واره‌های ماندالایی با یک قالی چهارباغی پرداخته می‌شود (تصویر ۷). نقش قالی در مربع میانی، که با رنگ آبی مشخص شده، در تقسیمات و تناسبات ظاهری با ماندالای واستوشاسترا در تصویر ۵ قابل تطبیق است. مربع میانی در ماندالای وستوشاسترا محل تولد برهماست که در این قالی با حوض آب جایگزین شده که ارزشی مادینه دارد. حوض آب در نمونه‌های بعدی با نقش ترنج جایگزین شده است، این طرح قابل مقایسه با طرح‌واره کاخ آپادانا در تصویر ۵ نیز است که بخش‌های متناظر در تصویر

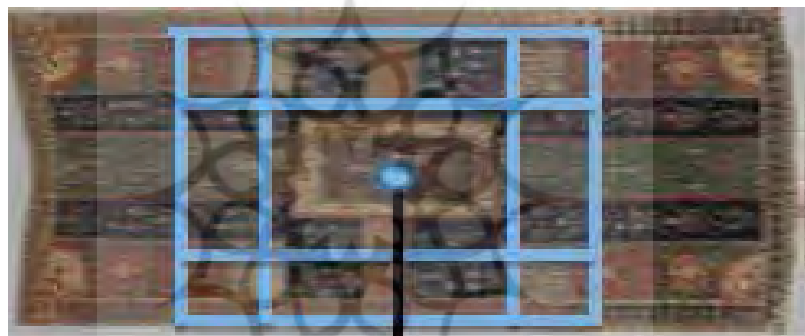
به شیوه ساخت معبد آناهیتا در کنگاور» (ایمانی، رحیم‌زاده و طهماسبی، ۱۳۷۵) که از تصاویر بازسازی شده و توصیفاتش به نظر می‌رسد فرمی چهارصغه دارد و چلیپا را تداعی می‌کند. به عبارتی در شهر گور نخستین پایتخت ساسانیان، هم در طرح کلی شهر و هم در تعریف بناهای مرکزی آن با ماندالا مواجه می‌شویم که به ترتیب در شکل‌های دایره، مربع و چلیپا رخ نموده‌اند. در خصوص شکل ماندالایی این شهر پژوهش زیادی انجام شده و نکته جدیدی نیست. آنچه مدنظر این پژوهش است توجه به حضور آنیما و مادینگی در شهر و مرکز آیینی آن است. در ادامه به بحث چگونگی تسری رمزهای مادینه اعلام‌شده به طرح‌واره‌ها پرداخته می‌شود.

بحث

پیش‌تر درمورد حضور مادینگی در ماندالا بحث شد. بدیهی به نظر می‌رسد که بپذیریم این تأنیث به طرح‌واره‌هایی که حامل این فرم هستند منتقل می‌شود. بنابراین توجه به این نکته ضروری است که باور به ذات مادینه هستی و انعکاس تصویر هستی در ماندالا و نقش ساختاری ماندالا در برخی از آثار معماری می‌تواند با پیوستگی و ارتباط، استدلال کند که معماری ایران معطوف به حضور مادینگی بوده است، اگرچه با دستانی مردانه ساخته و پرداخته شده باشد. می‌توان گفت آنیمای معماران در آفرینش آثار معماری ایران حضور مؤثر داشته است. برخی از شواهد حاضر در خارج از متن معماری (نظیر تاریخ و آثار هنری غیرمعماری) چنین خوانش و استدلالی را حمایت می‌کنند. به عنوان مثال شهر گور نخستین پایتخت ساسانیان است و احترام ایزدبانو ناهید نزد اردشیر که اجداد او موبدان معبد ناهید بوده‌اند امری دانسته و شاهدهی تاریخی است. طرح ماندالوار شهر با استقرار بناهای متعلق به نیایش ناهید در مرکزی‌ترین نقطه این ماندالا و نمایش آب که نماد

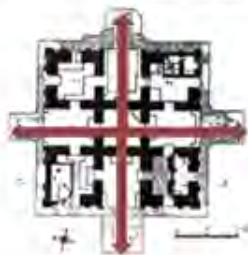
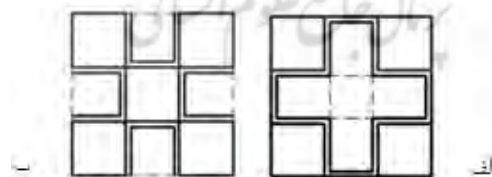
تجربید قابل تصور است که نمونه آن به ویژه در طرح کوشک باغ‌ها مکرر است (تصویر ۸). در این حالت بازوهای صلیب از مربع میانی به سمت فضای باز گسترش می‌یابند. نکته قابل تأمل اینکه در اغلب نمونه‌های منطبق بر هر دو الگو در معماری تاریخی ایران، در فضای میانی یا نقطه مرکزی در ماندالا عنصری مانند آب، آتش، فضای تهی و حتی گاه حفره‌ای دوار یا روزنی در سقف یا شمشه‌ای غالباً هشت‌پر قرار دارد که نمادی از آرکی تایپ‌های مادینه یونگی است. به نظر می‌رسد ماندالای نه‌خانه علاوه بر پلان، با تمرکز بر چلیپای میانی گاهی سازنده شاکله فضایی آثار نیز هست. در تصویر ۹ ترسیم فرم سه‌بعدی آتشکده‌ها به صورت گسترده بر صفحه‌ای دوبعدی دیده می‌شود به گونه‌ای که نمای چهاروجه بر صفحه افق ترسیم شوند و طاق بر کف زمین منطبق شود. بسط یک ماندالای نه‌خانه با تأکید بر

نشانه‌گذاری شده‌اند (در این نمونه‌ها مربع میانی گاه به چهار گاه به نه قسمت تقسیم شده و بنابر هر شیوه تقسیم مفاهیم نمادین می‌یابد. در نمونه نه‌خانه، مرکزی‌ترین مربع حاوی مفهوم تولد است). در تصویر ۵ طرح‌واره کاخ آپادانا منطبق با ماندالای بیست‌وپنج‌خانه است که می‌تواند بسط الگوی پایه‌ای ماندالای نه‌خانه (مربع قرمز رنگ) باشد و روند این بسط در تصویر نشان داده شده است. ماندالای نه‌خانه الگویی آشنا در طرح‌واره‌های معماری ایران است و سامان‌دهی فضا، توده و نظم عملکرد در آن الگو، اغلب منجر به پدید آمدن هندسه‌ای چلیپایی می‌شود که بنیان‌های نظری آن را حامل رمز تائیت می‌دانند. این چلیپا یا در قالب فضای تهی میانی به وضوح قابل درک است (تصویر ۸، الگوی الف) که نمونه‌های آن را می‌توان در الگوی چهارطاق ساسانی و خانه‌های چهارصفه و موارد بسیار دیگر مشاهده کرد یا تنها در ترسیم طرح‌واره (تصویر ۸، الگوی ب) و در قالب



حوض آب

تصویر ۷. قالی چهارباغی، قرن هجدهم میلادی، موزه متروپولیتن. مأخذ: شیروانی، ۱۳۹۴.



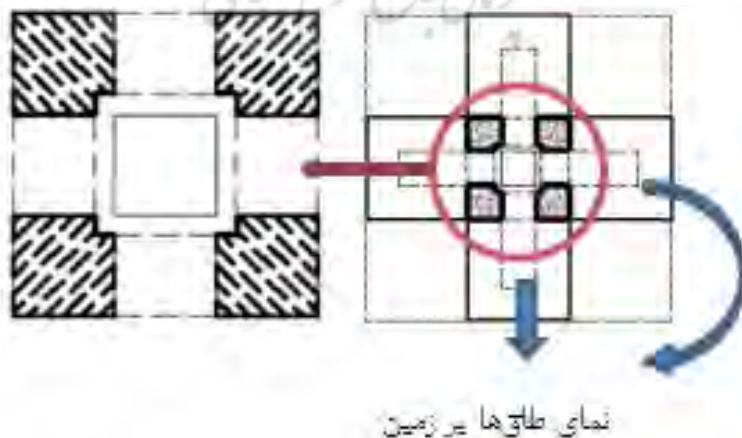
تصویر ۸. الف و ب ماندالای نه‌خانه و اعمال تغییر در آن. مأخذ: نگارندگان. پایین: کوشک مرکزی مجموعه لشگری بازار. مأخذ: متدین، ۱۳۹۴.

معماری تاریخی در ایران حاصل انتظام شکل‌های هندسی متکی بر مرکز چون مربع، دایره، چندضلعی‌های منتظم و فرم‌های چلیپایی است که در قالب ماندالا قابل جمع هستند. ماندالا براساس ویژگی‌های کنشی چون زایش، حمایت و پرورش و نیز از طریق ارتباط با نمادها و رمزه‌های مادینه چون مربع، عدد چهار، صلیب، روح، بهشت، گل نیلوفر، مادر و ... با مادینگی مقارن است. ماندالا به‌گونه‌ای بازسازی شناخت انسان از عالم است و عموماً وجهی اعتقادی دارد که از طریق مرکزش به آسمان پیوند می‌یابد. در بناهای با طرح‌واره ماندالا، در مرکز، عاملی با رمز مؤنث قرار دارد مثل حوض آب یا فضای تهی که از نشانه‌های آنیماست. تکرار ماندالا و تأکید بر مرکز آن با رمزه‌های مؤنث و استمرارش در طول تاریخ و در هنرهای مختلف ایران و جهان چون ادبیات، نقاشی، قالیبافی و ... گواهی بر ماهیت کهن‌الگویی و ریشه‌داربودنش در ناخودآگاه جمعی بشری است. می‌توان به تطابق مفهومی و انتزاعی خانه یونگ در بولینگن و شهر گور پرداخت که، در هر دو مورد، طرحی دوار از دایره‌های متوالی به دایره مرکزی با مفهومی مؤنث چون آتش و آب می‌رسد که هر دو نمادهایی از ایزدبانوان در اساطیر یونان و ایران هستند. ماندالاها در نهاد خود چلیپا را به‌صورت واضح و یا محذوف در بر می‌گیرند. چلیپا نقشی با قدمتی بسیار زیاد در معماری ایران است که در طرح‌واره بناها حضوری پابنده دارد و می‌تواند منبعث از ماندالای نه‌خانه باشد که در چهارطاق‌های ساسانی و خانه‌های چهارصفه دیده می‌شود. کاربرد فرم‌های حاوی رمز تأنیث، مادینگی را به آثار منتقل می‌کند و گواهی است بر اعتقاد و باوری جمعی که به‌صورت ناخودآگاه در آثار تبلور می‌یابد.

فرم چلیپایی را در یک ماندالای نه‌خانه دیگر و با خانه‌های بزرگ‌تر بازسازی می‌کند. می‌توان تصور کرد که این الگو، علاوه بر طرح‌واره، نقشی سازنده در ساختار فضایی آثار معماری تاریخی ایران دارد؛ الگویی که با حفظ تقسیمات در خود، تکثیر می‌شود و بسط می‌یابد. اگر مطابق مستندات ارائه‌شده، چلیپا و اشکال دارای مرکز تقارن را تبلوری از ماندالا و بنا به دلایل ذکرشده، دارای وجه مادینه بدانیم، نقش ارزش‌ها و باورهای باستان در ناخودآگاه جمعی ایرانیان در قالب‌های رمزه‌های تأنیث در آثار معماری ایران اثبات می‌شود. آنی یلایفه^۱ معتقد است نباید ظهور مداوم دایره و چهارگوشه را کم‌اهمیت دانست و به‌نظر می‌آید نیاز روانی می‌خواهد با نمادین کردن این دو شکل توجه خودآگاه را همواره به عوامل اساسی حیات جلب کند (یونگ، ۱۳۹۵، ۳۷۹) و به استناد اساطیر، که با روانکاوی یونگی آمیخته‌اند، ذات هستی و عامل اساسی حیات مؤنث است. بحث مطرح‌شده در نمونه‌های مختلف قابل پیگیری است که در قالب این مقاله نمی‌گنجد و به این منظور برای جلوگیری از اطالاه مطلب برخی از محورهای بحث در قالب جدول ۱ خلاصه شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاکی از آن است که معماری تاریخی ایران با وجود آن که محیطی مردساخت است از ارزش‌های مادینه تهی نیست. این ارزش‌ها، که ناشی از اعتقاد به ذات مادینه هستی است و ریشه در تاریخ ستایش ایزدبانوان و سیطره مدارسالاری دارد، طبق آرای یونگ در روان ناخودآگاه جمعی و در قالب آرکی‌تایپ آنیما نهادینه شده و به‌صورت رمز در معماری تبلور یافته‌اند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طرح‌واره آثار



تصویر ۹. چپ: پلان شماتیک یک آتشکده. راست: ترسیم گسترده آتشکده شامل تمام وجوه بر صفحه دوبردی. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. ماندالا و رمزهای مادینگی در اشکال و نمونه‌های معماری معادل آنها. مأخذ: نگارندگان.

شکل کلی	صفت	رمز	نمونه
دایره	حمایت - زاینده‌گی	روح	شهر گور - قلعه‌دختر
ماندالا	مربع	زمین - ماده	زیگورات چغازنبیل - کاخ آپادانا
زاینده‌گی	چندضلعی	آناهیتا - بهشت	هشتی‌ها - حمام‌ها
مادینگی	چلیپا	مادر - عددچهار	آتشکده‌ها - خانه‌های چهارصفه

پی‌نوشت

Anieli Jaffé .1

فهرست منابع

- شایگان، داریوش. (۱۳۵۵). *بت‌های ذهنی و خاطره‌آزلی*. تهران: امیر کبیر.
- شریف‌زاده، محمدرضا و عزیزپور، شادابه. (۱۳۹۵). *سیر تحول کهن‌الگوی ماندالا در معماری ایران با رویکرد به نظریه آرکی‌تایپ یونگ*. مقاله ارائه‌شده در سومین کنفرانس بین‌المللی سومین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات در عمران، معماری و شهرسازی و محیط زیست پایدار، مؤسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا، رم.
- شیروانی، محمدرضا. (۱۳۹۴). *تبادل نظری ماندالا و بازنمایی آن در قالی‌های چهارباغی*. نگارینه هنر اسلامی، ۲(۵)، ۶۳-۷۴.
- طهوری، نیره. (۱۳۹۱). *ملکوت آیین‌ها، مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- غلامپور آهنگر کلایی، لایلا؛ طاووسی، محمود و اوجاق علیزاده، شهین. (۱۳۹۵). *تحلیل کهن‌الگوی خویشتن در منطق الطیر عطار*. جستارهای ادبی (۱۹۴)، ۴۵-۷۱.
- فدایی، فرید. (۱۳۸۱). *یونگ و روانشناسی تحلیلی او*. تهران: دانژه.
- کاظم‌زاده، پروین. (۱۳۹۲). *تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری اعتقاد به ایزدبانوان در ایران باستان*. پژوهش‌های ادیان، ۱(۲)، ۴۹-۷۳.
- کمبل، جوزف. (۱۳۷۷). *قدرت اسطوره*. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز
- لاهیجی، شهلا و کار، مهرانگیز. (۱۳۸۷). *شناخت هویت زن ایرانی درگستره پیش از تاریخ و تاریخ*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- متدین، حشمت‌الله و متدین، رضا. (۱۳۹۴). *معماری کوشک، کوشک‌های نه‌قسمتی در باغ ایرانی*. منظر، ۳۲(۳)، ۳۹-۳۲.
- وفایی، فاطمه و ابراهیمی، حسن. (۱۳۹۵). *زنانگی و تأنیث در هستی‌شناسی ابن‌عربی*. ادیان و عرفان، ۱(۴۹)، ۱۲۳-۱۴۳.
- هژبری نوبری؛ علیرضا و مهاجروطن، سمیه؛ افهمی، رضا. (۱۳۹۴). *تحلیل ساختار پلان معماری کاخ‌های دوره هخامنشی و تأثیر آن در معماری دوران اشکانی و ساسانی*. جامعه‌شناسی تاریخی، ۷(۱)، ۲۷۷-۳۰۳.
- یاور، حورا. (۱۳۷۰). *آسمان بر زمین، بازتاب نمادین آرکی‌تایپ تمامیت و کمال ماندالا در ساختار بیرونی و درونی هفت‌پیکر ایران‌شناسی*. ۳(۱۱)، ۵۴۸-۵۶۶.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۵). *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو* (ترجمه محمدباقر اسماعیل‌پور و فرناز گنجی). تهران: جامی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ادیان* (ترجمه جلال ستاری). تهران: سروش.
- ایمانی، نادیه؛ رحیم‌زاده، محمدرضا و طهماسبی، احسان. (۱۳۷۵). *بررسی جایگاه شهر گور در دوره ساسانیان و چیستی و کارکرد بناهای میانی آن*. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۶(۱۱)، ۹۱-۱۰۶.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۹۰). *هنر مقدس اصول و روش‌ها* (ترجمه جلال ستاری). تهران: سروش.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۸). *نگاهی به تاریخ اساطیر ایران باستان*. تهران: علم.
- بهرامی رهنما، خدیجه و طاووسی، محمود. (۱۳۹۴). *نقد کهن‌الگویی منظومه بانوگشسب‌نامه*. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، ۱۱(۴۰)، ۱۳۵-۱۶۴.
- پناهی، مهین و بهمنی، کبری. (۱۳۹۲). *بررسی دایره‌های تعالی در گلشن راز و مفاتیح‌الاعجاز*. پژوهش‌های ادب عرفانی (گوه‌ر گویا)، ۷(۲۵)، ۲۵-۶۲.
- جودکی عزیز، اسدالله؛ موسوی‌حاجی، سیدرسول و مهرآفرین، رضا. (۱۳۹۳). *گونه‌شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن*. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲(۵)، ۶۴-۸۶.
- ستاری، جلال (گردآورنده). (۱۳۹۱). *جهان اسطوره‌شناسی، آثاری از ژرژ دومزیل، روزه کایوا، ژرژ گودورف، ماسائو یاماشی، جیمز دارمستر*. (ترجمه جلال ستاری) تهران: مرکز.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۳). *سیمای زن در فرهنگ ایران*. تهران: مرکز
- ستاری، رضا؛ حقیقی، محمود و محمودی، معصومه. (۱۳۹۵). *تجلی کهن‌الگوی مادر مثالی در حماسه‌های ملی ایران براساس نظریه روان‌شناختی یونگ*. زن در فرهنگ و هنر، ۸(۱)، ۴۵-۶۶.
- سلمانی‌نژاد مهرآبادی، صفوی. (۱۳۹۳). *واکاوی برخی اشکال کهن‌الگوی ماندالا در ناخودآگاه قومی طاهره صفارزاده*. پژوهش‌های ادبی و بلاغی، ۲(۷)، ۳۵-۵۷.

- Barrie, T. (2010). *The Sacred in between: The Mediating Roles of Architecture*. London: Routledge.
- Gray, M. (2001). Encountering the mandala: the mental and political architectures of dependency. *Culture Mandala: The Bulletin of the Centre for East-West, Cultural and Economic Studies*, 4(2), 1-13.
- Goodarzi, A. & Fazeli, H. (2014). Identifying the principales of traditional Iranian architecture in the light of Vastu Shastra, the traditional Indian wisdom. *Journal of Design and Built Environment*, 14(1), 1-19.
- Giesking, J., Jack. Mangold, W., Kats, C., Low, S. & Saccert, S. (2014). *The People, Place and Space Reade*. New York: Routledge.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

هروی، حسنیه؛ فلامکی، محمدمنصور و طاهایی، سیدعطاءالله. (۱۳۹۸). بازتاب آرکی تایپ‌های مادینه در معماری تاریخی ایران براساس آرای یونگ؛ رمز مادینگی در طرح‌واره‌های ماندالوار معماری تاریخی ایران. *باغ نظر*, ۱۶(۸۰)، ۵۱-۶۲.

DOI: 10.22034/bagh.2019.144622.3740

URL: http://www.bagh-sj.com/article_99234.html

